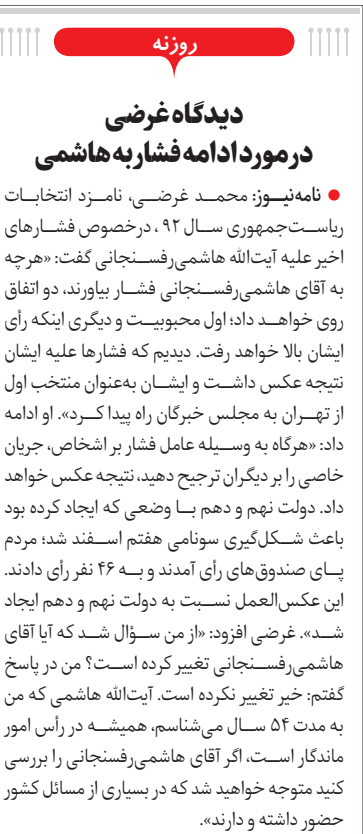




نقدی بر طرح جرم سیاسی

محمد مقیمی
وکیل پایه یک دادگستری

● جرم سیاسی در قدیم از جمله بزرگ‌ترین جرائم بوده و از آن به جرم بزرگ یا خیانت بزرگ یاد می‌شده و محاکمه آن در دادگاه ویژه برگزار می‌شده و مجازات‌های سنگینی داشته است. اما گذشت زمان و امکان به حکومت‌رسیدن مبارزان و مجرمان سیاسی پیشین به دگرگونی برخورد با مجرمان سیاسی منجر شد. در تعریف جرم سیاسی مسئله لطمه‌زدن به حکومت و در مقام تغییر و سرنگونی آن برآمدن، مطرح است کنفرانس ۱۹۳۵، در تعریف جرم سیاسی پیشنهاد کرده است: «جرم سیاسی به جرمی اطلاق می‌گردد که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین علیه حقوق ناشی از آن برای افراد ارتکاب یابد». فعالیت‌هایی که همراه با اقدامات مجرمانه نباشد، مانند انتقاد و تجمعات مسالمت‌آمیز نباید در تعریف جرم سیاسی قرار گیرند، زیرا از مصادیق حقوق شهروندی مانند: آزادی اندیشه، آزادی بیان، حق نقد صاحبان قدرت و امربه‌معروف و نهی‌از منکر هستند. در واقع، اگر شهروندی در راستای فعالیت سیاسی و با هدف صدمه‌زدن به حکومت مرتکب عملی شود که قانون‌گذار در یک نظام دموکراتیک آن فعل را جرم شناخته باشد، جرم سیاسی مرتکب شده است. همان‌طور که آمد، برابر قانونی که به‌صورت دموکراتیک وضع شده باشد، در غیراین‌صورت نتیجه عکس می‌دهد و زمینه سوءاستفاده صاحبان قدرت فراهم می‌شود. انگیزه مرتکب نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است و اشخاصی که دارای انگیزه خودخواهانه و جاه‌طلبانه هستند و مرتکب اعمال خشونت‌آمیز علیه حکومت به منظور رقابت‌های سیاسی بر سر قدرت می‌شوند، مجرم سیاسی محسوب نمی‌شوند. در واقع، مجرم سیاسی دارای انگیزه خیرخواهانه و مصلحانه است و به همین دلیل برخی کشورها امتیازهایی برای آنان قائل شده‌اند. بنابراین، شایسته است برای تشخیص جرائم سیاسی از دیگر جرائم به چگونگی تأثیر جرائم واقع‌شده بر افکار عمومی (فلسفه حضور هیأت منصفه) رجوع شود. اما تعریف جرم سیاسی به‌گونه‌ای که در این طرح قانونی مقرر شده از لحاظ حقوقی قابل انتقاد است، چنان‌که ماده کی این طرح، مقرر می‌دارد: «هر کی از جرائم اعلام‌شده در ماده ۴ این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه‌زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود». نخست اینکه همان‌طور که گفته شد، در تعریف جرم سیاسی، انگیزه سرنگونی نظام سیاسی یا اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری، جوهره اصلی جرم سیاسی است. دوم، یکی از مواردی که ممکن است به اشتباه جرم‌انگاری شود یا در انطباق با برخی عناوین مجرمانه دیگر قرار گیرد و موجب محکومیت و کیفر قرارگرفتن شهروندان شود، انتقادها و اعتراض‌های شهروندان در راستای آزادی اندیشه، آزادی بیان، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، حق نقد صاحبان قدرت و حق برگزاری تجمعات صورت می‌گیرد که گاهی تحت عناوین مجرمانه‌ای چون توهمین، نشر اکاذیب، تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، شرکت در تجمع غیرقانونی (که مورد اخیر اصلا جرم انگاری نشده است) و... سبب محکومیت و مجازات شهروندان می‌شود. چنان‌که بند «الف» و «ب» ماده ۴ طرح یادشده توهمین به مقامات نظام و بند «ث» آن «نشر اکاذیب» را نیز در زمره جرائم سیاسی دانسته است. در واقع، این موارد می‌تواند انتقادها و اعتراض‌های مسالمت‌آمیز شهروندان را نیز از مصادیق جرم سیاسی برشمارد؛ موضوعی که خلاف حقوق و آزادی‌های شهروندی است.



روزنه

دیدگاه غرضی

در مورد ادامه فشار به هاشمی

● **نامه‌نیوز:** محمد غرضی، نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲، درخصوص فشارهای اخیر علیه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی گفت: «هرچه به آقای هاشمی‌رفسنجانی فشار بیاورند، در اتفاق روی خواهد داد؛ اول محبوبیت و دیگری اینکه رای ایشان بالا خواهد رفت. دیدیم که فشارها علیه ایشان نتیجه عکس داشت و ایشان به‌عنوان منتخب اول از تهران به مجلس خبرگان راه پیدا کرد». او ادامه داد: «مگر به وسیله عامل فشار بر اشخاص، جریان خاصی را بر دیگران ترجیح دهیم، نتیجه عکس خواهد داد. دولت نهم و دهم یا وضعی که ایجاد کرده بود باعث شکل‌گیری سونامی هفتم اسفند شد؛ مردم پای صندوق‌های رای آمدند و به ۴۶ نفر رای دادند. این عکس‌العمل نسبت به دولت نهم و دهم ایجاد شده». غرضی افزود: «از من سؤال شد که آیا آقای هاشمی‌رفسنجانی تغییر کرده است؟ من در پاسخ گفتم: خیر تغییر نکرده است. آیت‌الله هاشمی که من به مدت ۵ سال می‌شناسم، همیشه در رأس امور ماندگار است. اگر آقای هاشمی‌رفسنجانی را بررسی کنید متوجه خواهید شد که در بسیاری از مسائل کشور حضور داشته و دارند».

سیاست

در نشست عبدي، ابرند آبادی وفرجی هابرسی شد

عدالت تنبیهی، عدالت ترمیمی

شدید نمی‌شود، بلکه با تسامح و تساهل برخورد می‌شود. سوم اینکه عدالت ترمیمی مربوط به جوامعی است که توسعه یافته‌اند و جوامع مدرنی هستند. چهارم اینکه این کشورها جوامعی چندفرهنگی هستند. یعنی افراد با زبان، قومیت و دین مختلف در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و این مهم سبب شده است که فرهنگ تسامح و تساهل در میان آنان تقویت شود. ویژگی دیگر این کشورها این است که سازمان‌های مردم‌نهاد در آنها بسیار فعال و تأثیرگذار هستند. در واقع، اینها به‌نوعی شرایط و پیش‌زمینه‌هایی برای شکل‌گیری عدالت ترمیمی در یک جامعه هستند. حال سؤال این است که این شرایط تا چه اندازه در کشور ما تحقق یافته است که انتظار داشته باشیم عدالت ترمیمی تحقق یابد؟...

نحفی ابرندآبادی در سخنان خود با اشاره به تاریخچه شکل‌گیری عدالت ترمیمی در جهان و کشورهایی که بستر عدالت ترمیمی بوده‌اند، گفت: «به لحاظ تاریخی، شکل‌گیری و ورود مفهوم عدالت ترمیمی به ایران به سال‌های پیش از انقلاب برمی‌گردد. قانون‌گذار متوجه شده بود همه پرونده‌های قضایی به شکل کیفری قابل‌رسیدیگی نیست. شو‌راهای حل اختلاف که پس از پیروزی انقلاب شکل گرفت، به این منظور تشکیل شد که قرار بود در ابتدا نوعی شورای حکمیت باشد و جایگزین شورای انصاف که در گذشته و پیش از انقلاب داشتم، شوند. اما در ادامه این نهاد تبدیل به یک نهاد شبه‌قضائی شد و الان اعضایش کار قضائی می‌کنند

نه کار عدالت ترمیمی و میانجی‌گری و این یک ضعف جدی در دستگاه قضاست که مانعی بر سر راه عدالت

ترمیمی در ایران تلقی می‌شود و باید به آن رسیدگی شود». این استاد حقوق و جرم‌شناسی در ادامه گفت: «همان‌طور که توضیح داده شد، ورود عدالت ترمیمی به ایران و شکل‌گیری آن تاریخی نسبتاً طولانی دارد، اما عدم توفیق آن ناشی از چیست؟ باید دانست کشورهایی که بستر شکل‌گیری عدالت ترمیمی بوده‌اند و در واقع ایده عدالت ترمیمی از این کشورها برخاسته است، دارای شرایط خاصی هستند. اول اینکه این کشورها به لحاظ نظام سیاسی کاملاً دموکراتیک هستند، یعنی چرخش قدرت و نتخبان سیاسی در آنان به‌سهولت اتفاق می‌افتد، این یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های کشورهای مذکور است. در واقع وقتی می‌گوییم جامعه دموکراتیک یعنی وجود تکثر سیاسی و این یعنی تحمل صدای دیگری و این آستانه تحمل مردم را بالا می‌برد. دوم اینکه این کشورها دارای فرهنگ تسامح و تساهل هستند. در این کشورها با مسائل مختلف برخورد‌های

دو شاخص مهم حقوق تنبیهی و حقوق ترمیمی شناخت. هر قدر جامعه‌ای توسعه‌یافته‌تر شود و تقسیم کار در آن صورت بگیرد، حقوق ترمیمی افزایش می‌یابد». عبدي در ادامه ارتباط مفهوم «تقسیم کار» و عدالت ترمیمی را این‌گونه توضیح داد: «از نظر دورکیم در جامعه‌ای که هیچ تقسیم کاری نباشد و همه مثل هم در یک حوزه و یک اندازه توانایی داشته باشند، حذف یک نفر از آن جامعه، اهمیتی برای کل جامعه ندارد. چون همان اندازه که کل جامعه در فرد حذف‌شده نمود دارد، در سایر افراد جامعه نیز نمود دارد. پس این فرد کارویزه انحصاری

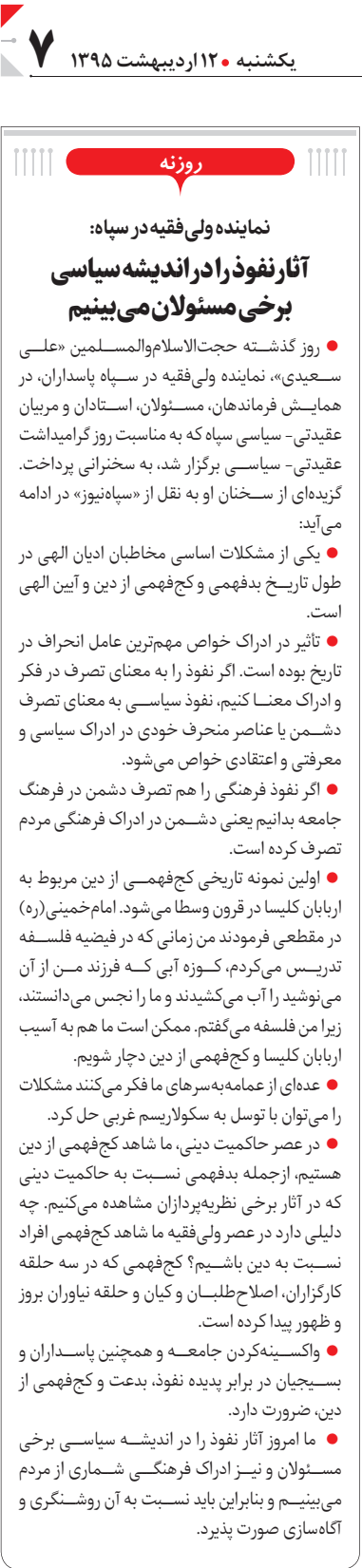
ندارد که با حذف آن به زندگی و حیات اجتماعی آسیبی وارد شود. در چنین جوامعی حقوق تنبیهی به‌شدت اجرا می‌شود چون همبستگی اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای مشترک با آن چیزی است که دورکیم وجدان جمعی می‌نامد. اما در جامعه‌ای که هر فرد یک مسئولیت و تخصص خاص دارد و تقسیم کار صورت گرفته است و چون موجود ارگانیک است، به‌راحتی نمی‌توان حرف از حذف یک نفر زد. در اینجا حذف هر نفر باعث آسیب‌دیدن کل جامعه می‌شود. دورکیم می‌گوید در جوامع مدرن چنین است که مبنای همبستگی اجتماعی تغییر می‌کند، ارزش‌ها متکثر می‌شود و از این روست که مبنای همبستگی اجتماعی همین تقسیم کار اجتماعی است. اینجاست که حقوق ترمیمی اهمیت پیدا می‌کند و جامعه میلی برای تنبیه و حذف ندارد و چه‌بسا متهم را نیز از منظر قربانی تحلیل و نگاه کنند». این تحلیلگر سیاسی و اجتماعی در ادامه افزود: «وقتی تقسیم کار صورت می‌گیرد، هر قدری برای جامعه یک معنایی پیدا می‌کند، بنابراین فرد دارای اهمیت می‌شود و نمی‌توان او را به‌سادگی حذف کرد. پس حقوق از حالت تنبیهی به حالت ترمیمی انتقال می‌یابند تا این منطق در جامعه حفظ شود. یعنی تقسیم کار اجتماعی مبنایی برای حقوق ترمیمی است».

او همچنین گفت: «در عدالت ترمیمی، نهادهای غربی سعی می‌کنند از سنت‌های اجتماعی کننددلی این سنت‌ها پایه و اساس حقوق ترمیمی نیست بلکه بنیان فلسفی‌اش با مفهوم این کلمه در مفهوم سنتی آن تفاوت دارد. میانجی‌گری، ریش‌سفیدی یا مفاهیمی می‌شود. دورکیم توضیح می‌دهد که جامعه را می‌توان از کیفیت

این جنبی با مفهوم حقوق ترمیمی متفاوت است و برای همین است که می‌گویند عدالت ترمیمی در جامعه دموکراتیک پا می‌گیرد. چون دموکراسی محصول فرایند توسعه و پیشرفت است. در کشور ما هر دو گرایش وجود دارد. یک عده برای مشاهده یک اعدام از اوایل صبح انتظار می‌کشند و عده‌ای محله خود را برای اینکه قتلی با اعدامی در آن اتفاق افتاده، عوض می‌کنند. این شکاف عمیق در جامعه ما مربوط به سطح تقسیم کار است و همان بحث حقوق تنبیهی و ترمیمی».

عدالت ترمیمی، قطب‌نماست نه نقشه

در بخش دیگری از این همایش، دکتر محمد فرجی‌ها با اشاره به فلسفه برگزاری پیش‌همایش‌ها گفت: «پیشگامان بحث عدالت ترمیمی در تعریف این اصطلاح با هم اختلافاتی دارند. برخی آن را رویکردی می‌دانند که وضعیت را به وضعیت قبل از حادث‌شدن جرم برمی‌گردانند، برخی دیگر می‌گویند چنین چیزی شدنی نیست و مگر می‌شود که وضعیت را به حالت پیش از جرم برگرداند! به هر حال جرم اتفاق افتاده و بزهکار و بزه‌دیده داشته است و جامعه‌ای داریم که نظمش به‌هم خورده است. اینجاست که تمرکز به جبران خسارت و برگرداندن نظم به جامعه سوق پیدا می‌کند». فرجی‌ها با ارائه این تعریف که «عدالت ترمیمی نقشه نیست بلکه قطب‌نماست»، تصریح کرد: «بر این اساس، مهم این است که بینیم سمت‌وسوی حقوق جامعه به چه جهتی است، در واقع الگوی نابی از عدالت ترمیمی نداریم بلکه سمت وسمو است. با این نگاه می‌توان به وضعیت عدالت ترمیمی در جامعه نمره داد و گفت تا چه اندازه به سمت عدالت ترمیمی رفته‌ایم. با این توضیح می‌توان گفت نهاد مردمی که در سیستان‌وبلوچستان وجود دارد هم یک نهاد ترمیمی است، اما می‌گوییم چون یک نهاد سنتی است، عنصر رضایت در آن خیلی رعایت نمی‌شود. اینجا باید گفت عدالت ترمیمی رخ داده ولی حلاً می‌شود نمره‌ای به آن داد». این استاد دانشگاه در ادامه افزود: «از سوی دیگر اگر بگوییم عدالت ترمیمی مربوط به جوامع دموکراتیک است، در این صورت ما کشور افغانستان را به‌عنوان مثال داریم که ۸۰ درصد اختلاف‌های مردم به شکل قومی حل‌وفصل می‌شود و حتی چه‌بسا آنجا دموکراتیک نبودن و ناکارآمدی سیستم قضا تشویقی برای رجوع به همین الگوی ترمیمی باشد. بنابراین باید به این توجه داشت که عدالت ترمیمی اولاً تعاریف متعدد و رویکردهای متفاوتی به آن وجود دارد و ثانیاً باید به عنوان یک قطب‌نما به آن نگریست نه یک نقشه».

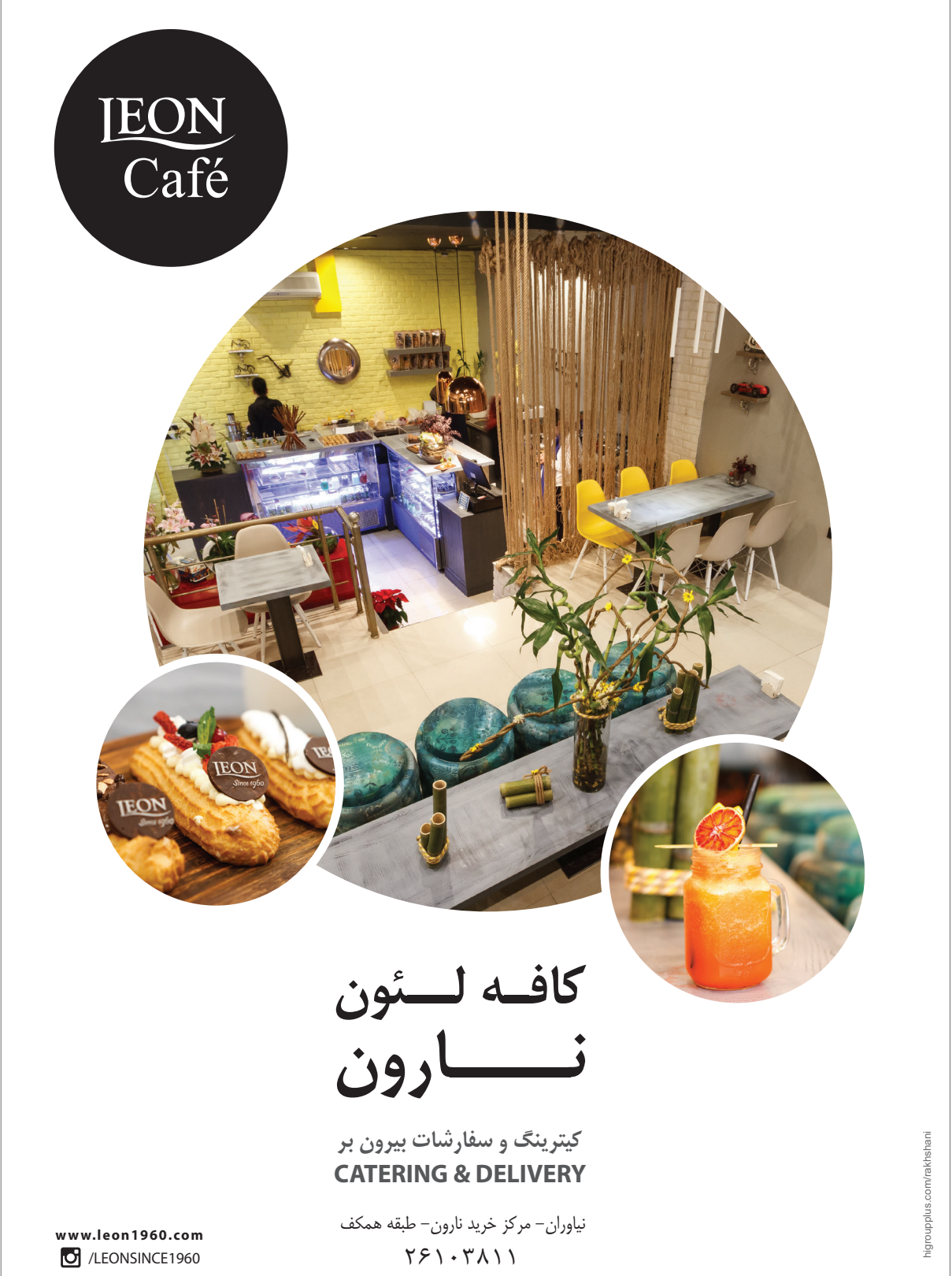


روزنه

نماینده ولی‌فقیه در سپاه:

آثار نفوذ را در اندیشه سیاسی برخی مسئولان می‌بینیم

- روز گذشته حجت‌الاسلام‌والمسلمین «علی سعیدی»، نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران، در همایش فرماندهان، مسئولان، استادان و مربیان عقیدتی- سیاسی سپاه که به مناسبت روز گرامیداشت عقیدتی- سیاسی برگزار شد، به سخنرانی پرداخت. گزیده‌ای از سخنان او به نقل از «سپاه‌نیوز» در ادامه می‌آید:
- یکی از مشکلات اساسی مخاطبان ادیان الهی در طول تاریخ بدفهمی و کج‌فهمی از دین و آیین الهی است.
- تأثیر در ادراک خواص مهم‌ترین عامل انحراف در تاریخ بوده است. اگر نفوذ را به معنای تصرف در فکر و ادراک معنا کنیم، نفوذ سیاسی به معنای تصرف دشمن یا عناصر منحرف خودی در ادراک سیاسی و معرفتی و اعتقادی خواص می‌شود.
- اگر نفوذ فرهنگی را هم تصرف دشمن در فرهنگ جامعه بدانیم یعنی دشمن در ادراک فرهنگی مردم تصرف کرده است.
- اولین نمونه تاریخی کج‌فهمی از دین مربوط به اربابان کلیسا در قرون وسطا می‌شود. امام‌خمینی(ره) در مقطعی فرمودند من زمانی که در فیضیه فلسفه تدریس می‌کردم، کوزه آبی که فرزند من از آن می‌نوشید را آب می‌کشیدند و ما را نجس می‌دانستند، زیرا من فلسفه می‌گفتم. ممکن است ما هم به آسیب اربابان کلیسا و کج‌فهمی از دین دچار شویم.
- عده‌ای از عمامه‌به‌سرای ما فکر می‌کنند مشکلات را می‌توان با توسل به سکولاریسم غربی حل کرد.
- در عصر حاکمیت دینی، ما شاهد کج‌فهمی از دین هستیم، ازجمله بدفهمی نسبت به حاکمیت دینی که در آثار برخی نظریه‌پردازان مشاهده می‌کنیم. چه دلیلی دارد در عصر ولی‌فقیه ما شاهد کج‌فهمی افراد نسبت به دین باشیم؟ کج‌فهمی که در سه حلقه کارگزاران، اصلاح‌طلبان و کیان و حلقه نیاوران بروز و ظهور پیدا کرده است.
- واکسینه‌کردن جامعه و همچنین پاسداران و بسیجیان در برابر پدیده نفوذ، بدعت و کج‌فهمی از دین، ضرورت دارد.
- ما امروز آثار نفوذ را در اندیشه سیاسی برخی مسئولان و نیز ادراک فرهنگی شماری از مردم می‌بینیم و بنابراین باید نسبت به آن روشنگری و آگاه‌سازی صورت پذیرد.



کافه لئون نارون

کیت‌رینگ و سفارشات بیرون بر

CATERING & DELIVERY

نیاوران - مرکز خرید نارون - طبقه همکف

۲۶۱۰۳۸۱۱

